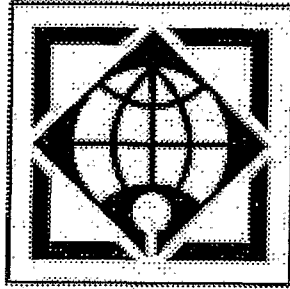


1  
11/2/24



وزارت علوم تحقیقات و فن آوری  
دانشگاه بین المللی امام خمینی «ره»  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فلسفه

## رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در فلسفه

عنوان :

# نظر شلایر ماخر درباره دین

استاد راهنما:

دکتر علی نقی باقرشاهی

استاد مشاور:

دکتر محمد حسن حیدری

دانشجو:

سید مرتضی موسوی

(مستأن 1387)

۱۳۸۸ / ۳ / ۴

کتابخانه و اسناد مرکز علمی بزرگ  
تهران

۱۱۳۷۲۶

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب سید مرتضی حسینی دانشجوی رشته علوم مقطع تحصیلی دانشگاه آزاد اسلامی

بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود و مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با عنوان تطبیق فرارو بار بار را تایید کرده، اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین المللی، نبوده و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهدنامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا خسارات وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو سید مرتضی حسینی  
امضاء و تاریخ





جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سید مرتضی موسوی دانشجوی رشته فلسفه با عنوان "نظر شلایر ماخر در باره دین" در تاریخ یکشنبه ۱۳۸۷/۱۱/۶ در اتاق ۷۴۶ دانشکده علوم انسانی برگزار گردید و مورد تأیید هیات داوران قرار گرفت.

اعضای هیات داوران:

استاد راهنما: دکتر علی نقی باقرشاهی

استاد مشاور: دکتر محمد حسن حیدری

داور خارجی: دکتر یوسف شاقول

داور داخلی: دکتر سید محمد حکاک

نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر علی فتح طاهری



## چکیده

فردریک شلایرماخر به عنوان متکلم و فیلسوف یکی از چهره های سرشناس و برجسته قرن نوزدهم در حیطه فلسفه دین است. او با توصیف جوهر دین به عنوان پدیده ای که حاصل معرفت نیست و همچنین نباید آن را در معنای اخلاقی جستجو کرد یا آن را به اخلاق تقلیل داد تأثیر ماندگار و جدیدی بر الهیات پروتستان نهاد. همچنین او یکی از پایه گذاران الهیات اعتدالی است. به عقیده وی جوهر دین در احساس دینی خاصی که احساس وابستگی مطلق است یافت می شود بعلاوه وی بر این باور بود که فلسفه دین بی حاصلی که در خداشناسی طبیعی مطرح است و جزم هایی که کلیسا مطرح می کند در حقیقت دین نیستند. بلکه دین حقیقی شهود بی واسطه همه وجود های متناهی در و به واسطه آن وجود نامتناهی است. به عقیده شلایرماخر دین حقیقی، احساس و ذائقه برای این وجود نامتناهی است. در این پایان نامه تلاش بر این است تا عناصر مهم اندیشه شلایرماخر در حیطه دین که شامل مباحث دین، خدا، مسیح، انسان شناسی، گناه و نیز تلاش های وی در زمینه ارائه برنامه آموزشی برای مطالعه الهیات در دانشگاه است ارائه کنیم.

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....5

### فصل اوّل

1:زمینه .....8

2:زندگی و آثار شلایرماخر.....14

### فصل دوّم

1:از کانت تا رومانتیسم.....18

2:خطابه و استدلال در کتابِ درباره دین .....37

3:خلاصه خطابه های کتابِ درباره دین .....48

### فصل سوم

1.دین.....60

2. خدا.....74

3.عنصر اجتماعی در دین.....78

4:مسیح شناسی و انسان شناسی در اندیشه شلایرماخر .....80

5. :الهیّات به عنوان موضوعی برای مطالعه.....110

6.نتیجه.....119

7:میراثِ شلایرماخر.....126

## پیشگفتار

فلسفه دین تأمل فلسفی در باب دین است و عمری به درازای خود فلسفه دارد و در هر دوره ای بخشی متعارف از فلسفه غرب بوده است. در نیمه آخر سده بیستم، علاقه به آن رشد بسیاری داشته و همچنین دامنه موضوعاتی که فیلسوفان دین مورد توجه و بررسی قرار داده اند به نحو چشمگیری گسترش یافته است. فلسفه دین گاه به فلسفه دین به معنای خاص و الهیات فلسفی تقسیم می شود. این تمایز منعکس کننده تشویش دوره اولیه در فلسفه تحلیلی است که در خلال آن فیلسوفان احساس می کردند تأمل در باب دین فقط در صورتی اعتبار فلسفی دارد که خود را به خدا شناسی صرف محدود و از همه ادیان خاص منتزع کنند. در این صورت هر چیزی دیگر الهیات تلقی می شد نه فلسفه. اما امروزه بیشتر فیلسوفان خود را مجاز می دانند هر جنبه ای از دین، از جمله عقاید یا اعمال مختص به دین معینی را به نحو فلسفی بررسی کنند. به لحاظ فلسفی نه فقط این عقاید و اعمال عموماً به خاطر خودشان جالب توجه اند، بلکه غالباً سؤالاتی را نیز بر می انگیزانند که برای موضوعات سایر حوزه های فلسفی سودمندند. (استامپ، النور، فلسفه دین، ترجمه مالک حسینی، انتشارات هرمس، 1383)

در این حیطه، تلاش ما برای نشان دادن چهار چوب فکری یکی از چهره های بزرگ فلسفه دین است. که آثار وی تأثیرات بسزایی بر مسیحیت و دین داری اروپا نهاد. فردریک شلایر ماخریکی از چهره های شناخته شده در زمینه فلسفه دین است. اگرچه وی در زمینه های فکری دیگر مانند هرمنوتیک نیز دارای اشتها است. در قرن نوزدهم در انگلستان عده کمی به اهمیت شلایر ماخر توجه داشتند. سال های متمادی عده زیادی او را فقط از طریق کتاب کم اهمیتش در مورد *انجیل لوقا* می شناختند و تقریباً یک قرن بعد از مرگ وی بود که کتاب معروف او به نام *ایمان مسیحی* به انگلیسی ترجمه شد. البته وضع در دیگر نقاط اروپا متفاوت بود. کارل بارت یکی از منتقدان وی

به حق جمله ای را درباره شلایر ماخر به کار برده است که خود او درباره فردریک کبیر به کار برده بود. «او مکتبی تأسیس نکرد، اما عصری را به وجود آورد». در این پایان نامه اندیشه های شلایر ماخر در خصوص دین و نظریه مسیحی و انسان شناسی او مورد بررسی قرار گرفته است. این پایان نامه شامل سه فصل است که در فصل اول مباحثی حول زمینه فکری شلایر ماخر و زندگی و آثار وی مورد ارزیابی قرار گرفته است. فصل دوم شامل سه بخش می باشد که بخش نخست با عنوان از کانت تا رومانتیسم است که دوره فکری شلایر ماخر را که مابین این دو بوده نشان می دهد. در این مبحث چگونگی متأثر شدن شلایر ماخر از کانت و سپس به نحوی دوری و انتقاد از آن و نزدیکی به رومانتیک ها مطرح شده است. این بخش و بخش دوم با عنوان خطابه و استدلال در کتاب درباره دین ترجمه و تلخیصی از مقدمه ریچارد کروتر بر کتاب درباره دین شلایر ماخر است. در بخش سوم خلاصه ای از خطابه های کتاب درباره دین آورده شده است تا چهار چوبی کلی از این کتاب برای خواننده فراهم سازد. فصل سوم شامل هفت بخش است که در بخش اول بحث شلایر ماخر درباره دین و تلقی وی از دین مورد ارزیابی قرار گرفته است. بخش دوم مبحث خدا و رابطه انسان با خدا را شامل می شود. بخش سوم نقش عنصر اجتماعی در اندیشه دینی را مورد بحث قرار می دهد. بخش چهارم شامل مباحث مسیح شناسی و انسان شناسی است. که این موضوع از زمان قرون وسطی تا به امروز محل بحث میان مسیحیان بوده است. بخش پنجم شامل برنامه ای آموزشی است که شلایر ماخر برای مطالعه الهیات در دانشگاه تدوین کرده است. بخش ششم و هفتم نتیجه گیری و مبحث میراث شلایر ماخر و تأثیر او بر اخلافتش است. امید است این پایان نامه کمکی برای آشنایی دانش دوستان و علاقمندان در دین و فلسفه و بخصوص در حوزه فلسفه شلایر ماخر باشد.



# فصل اول

نگاهی اجمالی و سریع به حجم ویراست آثار جمع آوری شده قرن نوزدهم فردریک دانیل ارنست شلایر ماخر<sup>۱</sup> (4-1768) بیانگر مشغولیت عظیم این ذهن بارور پیشوای روحانی سنت اصلاح شده است. کسی که پدر الهیات مدرن نام گرفته است. او در کنار شیلینگ سر آمد متفکران رمانتیک در برلین / محفل ینا بود. که شهرت خود را همواره به عنوان یک متکلم داشت. حداقل در چهارحوزه او پیشرو بود که عبارت اند از:

1. در فلسفه دین با نظریه مشهورش در دین که در کتاب *درباره دین بسط داده شده* است.
  2. مطالعات کلامی و الهیاتی و با پیشنهاد ابتکاری برنامه آموزشی اش که در کتاب «*طرح اجمالی بر مطالعه الهیات*» مطرح شد و شاهکار جزمی او *ایمان مسیحی* که به عنوان یک کل منسجم مطابق با اصول اعتقادی کلیسای پروتستان ارائه شده است.
  3. نظریه تفسیر، با درس گفتارهای صریح و قاطع اش درباره علم هر منوتیک در دانشگاه برلین (که اولین بار بعد از مرگش در 1838) انتشار یافت.
  4. مطالعات افلاطونی از طریق ترجمه آلمانی محاورات کامل افلاطون همراه با مقدمه و نقد متون (منتشر شده بین سالهای 1828 تا 1804).
- پیشرفت و موفقیت عقلانی وی در حوزه و قلمرو خالص خود شگفت انگیز است. حتی منتقدان تنداش زمانی که به توفیقات قابل ملاحظه او توجه می کنند ناگزیر از تعریف می شوند. برای مثال کارل بارت<sup>۲</sup> یکی از منتقدان وی می نویسد «ما باید در جهت و سمت و سوی یک قهرمان عمل کنیم، مشابه آن هست اما کمتر و به ندرت به الهیات ارزانی می شود» منتقد دیگر وی امیل برنر<sup>۳</sup>

---

1. Friedrich Daniel Ernst Schleiermacher  
 2. Karl Barth  
 3. Emil Burner

می گوید « هیچ چیزی بزرگی تاریخی یک متفکر را بهتر از این مبارزه صد ساله با اوبعد از مرگش

نشان نمی دهد » (Modern theology, p 311-316)

شلاپر ماخر درست پیش از جنگ استقلال امریکا (1783 - 1776) متولد شد؛ در تمام طول زندگی او انقلاب صنعتی قرن هیجدهم آثار خود را در سر تا سر اروپا به جا می گذاشت، وقتی او ده ساله بود انقلاب فرانسه روی داد و هنگامی که استاد سی و هشت ساله دانشگاه بود تاخت و تاز ناپلئون را در پروس به چشم خود دید. خواه قبول کنیم یا ردّ دنیای جدید با این حوادث آغاز شد و اهمیت این حوادث را مشکل بتوان انکار کرد. مسیحیت نیز با این حوادث انقلابات خود را می گذراند. مسیحیت پیش از این دو نهضت تجدید حیات ادبی<sup>۱</sup> و نهضت اصلاح دین<sup>۲</sup> را تجربه کرده بود. در قرن هفدهم گسترش افقهای عقلانی، تأکید جنبش پروتستان بر حق افراد در تفسیر کتاب مقدس و تجزیه وحدت روحانی عالم مسیحیت در ظاهر همگی طغیانی بر تضاد افکار و عقاید مسیحیان ایجاد کرده بود.

شأن و مقام فعالیت های محض کلامی به نحو غیر قابل جبرانی زیان دیده بود. جنگ های سی ساله (1648 - 1618) که نیروهای کاتولیک و پروتستان ضمن آن گوی یکدیگر را می فشردند و جنگ های داخلی انگلیس در سالهای 1642 تا 49 بسی بنیاد یتر از هر استدلال عقلانی، مسیحیان را بر آن داشت تا شک کنند که آیا امکان دارد تمام حقیقت در بطن مذاهب اقرار شده در یکی از دو طرف رقیب نهفته باشد. اما دیری نگذشت که استدلال عقلی هم مطرح شد و گالیله (1642 - 1564) در این دوره بسیاری از آثار خود را پدید آورد که با مخالفت شدید « مجمع مقدس » کلیسا مواجه شد.

- 
1. Renaissance
  2. Reformation

رنه دکارت (1650 - 1596) نخستین فیلسوفی بود که به جای زبان لاتین به زبان مادری نوشت . او در سال 1637 رساله گفتار در روش<sup>1</sup> خود را به چاپ رساند. در تمام فعالیت های فلسفی خود او سعی کرد اصول و روشهای ریاضیات را به کار برد. لرد هربرت چربری<sup>2</sup> (1583-1648) کوشید تعریف مشترکی برای دین ارائه کند که در طبیعت همه انسانها بود و در بنیان احکام نظام های جزمی فردی قرار دارد. خدا باوران عقلی<sup>3</sup> انگلیسی که کار او را دنبال می کردند انتقادات مفصل دیگری بر عناصر فوق طبیعی در مسیحیت وارد آوردند و کوشیدند دین را از آنچه که عقاید خرافی و تعصب آمیز می یافتند نجات دهند . آن ها آثاری با عنوان مسیحیت بدون رمز و راز ، گفتار در اندیشه آزاد ، و مسیحیت به قدمت خلقت<sup>4</sup> را در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم در انگلیس منتشر کردند.

با آغاز قرن هجدهم و همراه با چنین آثاری و نیز آثار فیلسوفانی چون جان لاک<sup>5</sup> (1704 - 1632) لایب نیتس<sup>6</sup> (1646-1716) و عالم طبیعی و ریاضی دانی چون آیزاک نیوتن (1727 - 1643) به آستانه آن جنبش عقلانی می رسیدیم که روشنگری<sup>7</sup> نامیده می شود. این واژه

- 
1. Discourse on Method
  2. Lord Herbert of cherbury
  3. deists
  4. Christianity as old as creation
  5. John Locke
  6. Leibniz
  7. Enlightenment

مانند بیشتر اصطلاحات عمومی در تاریخ عقل، لفظ عامی است که معانی گوناگونی را در بر می گیرد. اما از این معانی مختلف بی تردید بر سه معنا باید تأکید کرد: 1. اطمینان اکید به توانایی عقل انسان و تحقیق طبیعی [عقلی] برای کشف حقیقت در هر زمینه ای؛ 2. آمادگی برای فتح باب بحث درباره دین در ورای مقولات مسیحیت و آماده گی برای دستیابی به امکان کشف یک دین طبیعی [عقلی] برای نوع بشر 3. اعلام اهداف تربیتی و اجتماعی معینی تا نوید توسعه برای نیل به یک جامعه و نظام روشنگرانه رواج یابد. جنبش روشنگری زمینه اصلی درک صحیحی از وضعیت دینی را هموار کرد و شلایر مآخر در آن فضای فکری می زیست. گرچه واقعیت این است که جنبش های ادبی و فلسفی دیگر نیز بر این وضعیت پرده افکنده بودند. کل تفسیر مسیحیت از جهان و انسان، تعالیم و انشعابات اجتماعی آن تحت تأثیر روشنگری در معرض مذاقه و ارزیابی مجدد قرار گرفت. نهضت روشنگری، کلیساها را در کشورهای مختلف اروپایی به طرق مختلفی تحت تأثیر قرار داد. مثلاً در انگلیس اولین خدا باوران عقلی تنها نویسندگانی نبودند که ارتباط دین و عقل را مجدداً مطرح می کردند، در آنجا در بین کلیساها دو سنت علمی و کلامی قائل به تساهل در کنار هم زیر عنوان واحد «مشرّب سعه نظر»<sup>1</sup> بسط و گسترش یافت. اما وقتی این آزادی ها به اروپا صادر شد صورتی دیگر یافت و با واکنش های متفاوتی مواجه شد. ولتر نویسنده فرانسوی (1694 - 1778) بعد از گذراندن یک تبعید سه ساله در انگلستان، روشنگری انگلیسی را در آثار خود از قبیل نامه های فلسفی درباره انگلیسیها<sup>2</sup> (1734) و ارکان فلسفه نیوتن<sup>3</sup> (1738) رواج

- 
1. Latitudinarianism
  2. letters philosophiques sur les anglais
  3. Elements de La philosophie de Newton

عام داد. ، روشنگری در فرانسه تحت تاثیر ولتر در جهتی ضد روحانی<sup>1</sup> گسترش یافت . اما در آلمان روشنگری با تأخیر ریشه دواند و سرانجام بنیادیترین و دیر پاترین تغییرات را در آن جا پدید آورد . شاخص اولیه روشنگری آلمان ، در کلیسای پروتستان به موزات رشد سنت گرایمی عقلی ، دفاع عقلانی از کلام سنتی ، نو آوری ، کوشش برای تصفیۀ تعالیم مسیحیت از خرافات نامعقول و معرفی ایمان به صورتی مطلوب برای روشنفکران شکاک بود . اما بزرگترین تغییرات در الهیات در کشور آلمان را نه رهبران اولیه روشنگری ، بلکه عاملان این نهضت به صورت اصالت معنای<sup>2</sup> آلمانی و عمدتاً در سال های بحرانی 1770 تا 1790 صورت دادند. این مطلب اهمیت اساسی دارد و آن را باید به صورت استمرار روشنگری اولیه توصیف کنیم.

اصالت معنا نه روشها بلکه اهداف پیشگامان روشنگری را پذیرفت ؛ همچنین اصل استقلال انسان را در تمام موضوعات متنوع فنی و علمی پذیرفت . بعلاوه ، بر آن شد تا برای یک تبیین جامع از جهان ، اصل وحدتی را که پیش از این در الهیات مطرح بود برگرداند. اما بنا نبود که وظیفه ساخت و تنظیم چنین نظامی را فقط به عقل روشن اندیش واگذار کند. فلسفۀ ایمانوئل کانت<sup>3</sup> ( 1804 - 1724 ) ، ادبیات گوته ( 1832 - 1749 ) و کارهای متنوع نهضت رومانیتیک در آلمان ، همه در احیای با عظمت هنر ، فلسفه و ادبیات دخالت داشته اند و نه فقط بر کلام جدید ، که بر کل تفکر جدید ، تأثیر ماندنی و پایدار گذارده اند. زیرا فلسفه اصالت معنای آلمانی ، در حالی که ریشه در مذهب پروتستان داشت. آشکارا طرق جدیدی برای مشاهده عالم مطرح کرد که با مسیحیت سنتی وحدتی نداشت .

- 
1. Anti-clerical
  2. Idealism
  3. Immanuel Kant

واکنش کلیسا در مقابل این جریان چه می توانست باشد. ردّ تام و تمام آن ، تسلیم کامل به آن یا مصالحه و سازش با بعضی اجزاء آن. در سال هایی که مراحل تربیت شلایر مآخر طی می شد این موضوع مسئله حادّ آن سال ها بود . (سایکس ، استیون ، فریدرش شلایر مآخر ، ترجمه صانعی دره

بیدی ، صفحه 20 - 14 )

## زندگی و آثار شلایرماخر

سه فیلسوف ایده باور بزرگ آلمانی که با مسئله مطلق و رابطه وجود نامتناهی و متناهی و با زندگی روح سروکار داشتند، طبیعتاً به دین همچون فرانمودی از رابطه روح کرانمند با حقیقت الهی می نگریستند. از آن جایی که هر سه آنها استاد فلسفه و سازندگان نظام های فلسفی بودند، طبیعی بود که دین را در پرتو اصول اساسی این نظم ها تفسیر کنند. از این رو، فیثسته<sup>۱</sup>، بر حسب روح ایده باور اخلاقی خود گرایش به فروکاستن دین به اخلاقیات داشت، حال آن که هگل<sup>۲</sup> آن را صورتی از دانش می دانست، حتی شیلینگ<sup>۳</sup> که اندیشه اش رفته رفته به آگاهی دینی تبدیل شد و بر نیاز انسان به خدای شخصی وار تاکید می کرد، گرایش به این داشت که شکوفایی آگاهی دینی را نوعی شکوفایی مرتبه عالیتری از دانش بداند. اما، نزد شلایر ماخر، از دیدگاه یک متکلم<sup>۴</sup>، رهیافت دیگری به فلسفه دین می یابیم. شلایرماخر سخت دلپسته فلسفه بود. اما نقش پرورش دینی هرگز از ذهنش زدوده نشد و معتقد بود که باید آگاهی دینی از سوی و علم متافیزیک و علم اخلاق را از سوی دیگر به روشنی از هم جدا کرد.

فردریک دانیل ارنست شلایر ماخر در 21 نوامبر 1768 در برسلو<sup>۵</sup> متولد شد. پدر و مادرش وی را نزد «انجمن برادری مراویا<sup>۶</sup>» به دبستان سپردند. با آن که او ایمان به برخی از بنیان های اعتقادی

---

1.Fichte  
2.Hegel  
3.Schelling  
4.Theologian

5.Breslau  
6.Moravian Brotherhood



مسیحی را از دست داده بود ولی برای مطالعه‌ی الهیات وارد دانشگاه هاله شد. او در دو سال نخست در دانشگاه بیش از آن که به الهیات بپردازد بر اسپینوزا و کانت دل بست. در 1790 در برلین در امتحانی شرکت کرد و در خانواده‌ی معلم سرخانه شد. از 1794 تا پایان 1795 در لاندسبرگ<sup>۱</sup> نزدیک فرانکفورت و از 1796 تا 1802 در برلین مقام کلیسایی داشت.

در این دوران زندگی در برلین بود که شلایر مآخر با حلقه‌ی رومانتیک ها، بویژه با فردریک اشگل<sup>۲</sup>، آشنا شد و مانند همه رومانتیک ها به کلیت دل بست و سخت شیفته‌ی اسپینوزا شد. در عین حال، از نوجوانی کششی به سوی این نظریه افلاطونی داشت که جهان همانا تصویری است پدیدار از سپهر مثالی وجود حقیقی. و طبیعت اسپینوزا را همان حقیقتی می شمرد که خود را در جهان پدیدار نمودار می کند. اما این ستایشگر اسپینوزا ناگزیر بود که نگرش فلسفی خود را با دینی که مأمور آموزش آن بود، آشتی دهد. این کار را نه تنها برای آسوده کردن وجدان حرفه‌ی خویش در مقام یک کشیش پروتستان، بل از آن رو می کرد که براستی اهل دین بود. در سال 1799 کتاب « درباره دین»<sup>۳</sup> را چاپ کرد و در چاپ های بعدی چند بار آن را ویراست کرد. در سال 1800 « تک گفتارها»<sup>۴</sup> را منتشر کرد. و در آن به مسئله‌ی رابطه فرد و جامعه پرداخت و سپس در 1801 نخستین مجموعه‌ی وعظهای خویش را، اما شلایر مآخر بر خلاف آنچه که معمولاً گمان کرده اند یک متکلم خشک اندیش پروتستان نبود. وی در سال های 1802 - 1804 از کار کناره گیری کرد. در سال 1802 طرح یک سنجش گری آموزه های اخلاقی تاکنون<sup>۵</sup> را منتشر کرد. همچنین به ترجمه محاورات افلاطونی پرداخت و بر آنها پیش گفتارها و یادداشت هایی افزود، که بخش

1.Landsberg

2.Friedrich Schlegel

3.On Religion , Speeches to its cultured Despisers

4.Monologen

5.Grundlinien einer kritik der bisherigen sittenlehre

نخست آن در 1804 و بخش دوم در سال 1809 و بخش سوم 1828 به چاپ رسید. در سال 1804 کرسی استادی در دانشگاه هاله را پذیرفت و هنگامی که ناپلئون [ در لشکر کشی به آلمان ] آن دانشگاه را بست. در همان شهر به عنوان واعظ ماند. اما در 1807 به برلین باز گشت و به شرکت در زندگی سیاسی و همکاری در بنیان گذاری دانشگاه جدید پرداخت. در 1810 به استادی الهیات در آن دانشگاه منصوب گشت و تا پایان زندگی در 1834 در این سمت باقی ماند. در 1821 و 1822 کتاب *ایمان مسیحی بر اساس اصول کلیسای انجیلی*<sup>1</sup> را منتشر کرد. که در سال 1830 - 1831 ویرایش دیگری از آن به چاپ رسید. همچنین مجموعه های دیگری از *موعظه ها* را منتشر کرد. درس - گفتارهای وی در دانشگاه نه تنها زمینه الهیاتی بلکه مایه های فلسفی و آموزش و پرورشی را نیز در بر می گرفت، پس از مرگش منتشر شد. (کاپلستون، تاریخ فلسفه، جلد هفت، ترجمه داریوش آشوری، صفحه 154 تا 155)

# فصل دوم

## « از کانت تا روما نیتسم »

انتقاد عمیق ، متناسب با احترام عمیق در رابطه شلایر ماخر جوان با کانت به هم آمیخته است . مواجهه شلایر ماخر با کانت در مدرسه شبانه روزی با یک مطالعه از « مقدمه ای برای هر متافیزیک آینده<sup>۱</sup> » شروع شد. و در هاله همراه با آبر هارد<sup>۲</sup> ، و با مطالعه کتاب « نقد عقل محض<sup>۳</sup> » (1781) و « پایه های متافیزیک اخلاق<sup>۴</sup> » (1785) تداوم یافت. در سال 1790 شلایر ماخر احساس کرد که اعتقادش به این فلسفه ( فلسفه کانت ) روز به روز افزایش می یابد . اویطور آشکار شناختی از « نقد قوه حکم<sup>۵</sup> » نداشت ، این اثر کانت به دغدغه رومانیتسم برای ایجاد ارتباط با اخلاق و زیبایی شناسی<sup>۶</sup> کمک می کرد.

اگر نقد عقل محض حقیقت متافیزیکی را به قلمرو ظهورات محدود می کرد. فلسفه اخلاق عملی کانت دسترسی به جهان ما فوق شعور تجربه نومنالی<sup>۷</sup> را تدارک می دید.

اخلاق گرایی مبتنی بر تکلیف در شکل یک قانون اخلاقی است که نامشروط بی قید و شرط ، کلی و آزاد است. رفتار اخلاقی که از طریق هر چیزی غیر از عقلانیت تحریک می شود در تضاد با آزادی ما بعنوان عاملان علی مسئول است . از این رو قانون اخلاقی یک استثناء ای را برای محدودیت عقل نظری از بینش انسانی با مقولات متناهی تشکیل می دهد.

- 
1. Prolegomena to Any Future Metaphysic
  2. J.A. Eberhard
  3. The critique of pure reason
  4. Foundations of the Metaphysic of Morals
  5. The critique of Judgment
  6. Aesthetics .
  7. noumenal experience